

بررسی و تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره محمود احمدی نژاد (۸۴-۹۲)

جعفر فرهادی نسب^۱، سعید اسلامی*^۲، فاطمه سلیمانی پورلک^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

چکیده: هویت جمهوری اسلامی ایران تحت تاثیر ارزش های ناشی از اسلام شیعی و لایه های فرهنگ ایران و قانون اساسی شکل گرفته است. در سیاست خارجی دولت احمدی نژاد، نظام بین الملل با نظم بین المللی اسلامی در تضاد بوده و قابل پذیرش نیست. همچنین اهداف و منافع ملی بر پایه آرمان ها، ارزش ها، اصول اسلامی و انقلاب قابل تعریف است. منافع اقتصادی، امنیتی، منافع مبتنی بر نظم جهانی نیز در عرصه سیاست خارجی پیگیری می گردد. دولت احمدی نژاد در تنظیم و جهت گیری مناسبات و روابط خارجی خود بر چند اصل اساسی اتکا دارد. مهرورزی، عدالت در روابط بین الملل، توسعه متوازن روابط با کشورها، توسعه عضویت در نهادهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی، مقابله با تک قطب گرایی و سیاست خارجی چند جانبه گرا و... از اهم آن اصول می باشد. سوال اصلی پژوهش حاضر بر این است که 'سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره محمود احمدی نژاد بر چه اساسی بوده است؟' در این راستا روش تحقیق پژوهش حاضر تحلیلی- تاریخی براساس رویکرد تحلیل گفتمانی و باتکیه بر منابع و اسناد کتابخانه ای می باشد. نتایج این پژوهش نشان داده است در دولت احمدی نژاد، هسته سخت رفتار سیاست خارجی ایران براساس ترجیحات ایدئولوژیک همچنان مهمترین عامل در تعیین راهبردها و سیاست های ایران در حوزه روابط خارجی بوده است.

واژگان اصلی: احمدی نژاد، ایدئولوژی، سیاست خارجی، فضای منطقه ای و جهانی.

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

j.farhadinasab@gmail.com

^۲ گروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسئول).

eslameesaed44@gmail.com

^۳ گروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

m.soleimani@yahoo.com

سیاست خارجی یک استراتژی اعمال از پیش طرح‌ریزی شده تصمیم‌گیرندگان حکومتی است. گفتمان دولت نهم و دهم از چهار ویژگی (عدالت‌گستری، پیشرفت و تعالی مادی و معنوی، مهرورزی، و خدمات‌رسانی) برخوردار بوده و حول محور ولایت مفصل‌بندی می‌گردد. از جمله مولفه‌هایی که برای بررسی و تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها در برابر دولت‌های دیگر و جامعه جهانی مورد توجه می‌باشد، رویکرد دولت نسبت به نظامی است که بر جهان حاکم خواهد بود. رویکرد دولت نهم و دهم نسبت به جامعه جهانی و نظام حاکم، یک رویکرد ساختارشکنانه نسبت به وضع حاضر می‌باشد و آن را ناعدلانه معرفی نموده است. اما در ارائه طرح و راهکاری مناسب جهت جایگزین نمودن ناکام بوده است (رضایی، ۱۴۰۰: ۱۷). گفتمان دولت احمدی‌نژاد در حوزه سیاست خارجی، دارای رویکردی عمیق و جهانی و چهره‌ای جهان‌وطنانه بوده است و از جمله اهداف عالی این دولت، بسترسازی جهت احیای حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) می‌باشد. هویت جمهوری اسلامی ایران، حاصل برآیند عنصرهای سه‌گانه هویت اسلام، انقلاب اسلامی و ایران می‌باشد. در راستای تکوین هویت جمهوری اسلامی ایران این عناصر اهمیت بیشتری نسبت به «ایرانیت» ایفا می‌کنند (عیوضی، ۱۳۸۷: ۲۴). بنابر آنچه عنوان شد، محقق در این پژوهش درصدد است، سیاست خارجی ایدئولوژیک محور جمهوری اسلامی ایران در دوره محمود احمدی‌نژاد را واکاوی نموده و به پاسخی در راستای این سوال که «سیاست خارجی ایدئولوژیک محور جمهوری اسلامی ایران بر فضای منطقه‌ای و جهانی در دوره محمود احمدی‌نژاد بر چه اساسی بوده است؟» دست یابد. در جهت پاسخ به این سوال چنین مفروض است که دولت احمدی‌نژاد با مبنی قراردادن پایه‌های ایدئولوژیک محور در رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اصول اخلاقی و عدلانه در مناسبات و مراودات جهانی و حاکمیت معنوی معتقد است «کرامت و عزت» فقط در چارچوب و سایه‌های عدالت محقق خواهد شد و «معنویت» تنها پایه‌های ایجاد صلح پایدار و نظم در جهان است.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع کیفی با داده‌های غیر آماری بوده که از رویکرد توصیفی تحلیلی و همچنین تاریخی بهره‌گرفته است. لذا براساس روش تحقیق اسنادی با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و باریکرد تحلیل گفتمانی، فرضیه تحقیق به بحث گذاشته‌شد.

چارچوب مفهومی و ادبیات نظری پژوهش

الف) سیاست خارجی

سیاست خارجی عبارتند از جهتی که هر دولت در روابط خارجی خود برمی‌گزیند، و در آن از خود واکنش نشان می‌دهد. سیاست خارجی دربردارنده شیوه نگرش دولت‌ها نسبت به جامعه بین‌المللی است. برخی نیز سیاست خارجی را مجموعه‌ای از مسائل سیاسی مرتبط به حوزه خارجی دانسته که دارای دو بخش متغیر و ثابت است. بخش ثابت مبتنی بر آموزه‌های نظری، نظام ارزشی و ایدئولوژی حاکم بوده و بیانگر چهارچوب کلی سیاست‌گذاری می‌باشد. بخش متغیر بیانگر خط مشی‌ها و راهبردهایی است که متناسب با وضعیت و شرایط زمانی و مکانی تنظیم و تدوین می‌شود (گوهری مقدم و بیگی، ۱۳۹۹: ۲۹۵). می‌توان سیاست خارجی را سیستم فعالیت کشورها معرفی نمود که به دلیل تغییر رفتار سایر دولت‌ها و برای تنظیم فعالیت‌های خود با محیط بین‌المللی ایجاد شده است (Bojans AS, 2018, p.1). گفتمان غالب و مسلط در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی، گفتمان دینی و اسلامی می‌باشد (ولایتی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۰).

ب) ایدئولوژی

برخی از متفکران اسلامی همچون استاد مطهری در تعریف ایدئولوژی عنوان می‌کنند: "ایدئولوژی یک تئوری کلی، طرحی جامع و منسجم است که هدف اصلی آن کمال انسان و تامین سعادت همگان بوده و در آن خطوط اصلی و روش‌ها، هدف‌ها و وسیله‌ها، بایدها و نبایدها، خوبی‌ها و بدی‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص باشد و منبع الهام تکالیف و مسئولیت‌ها برای تمام افراد باشد". از نظر ایشان ایدئولوژی با مفهوم قرآنی شریعت یکسان است (علیزاده و امراللهی، ۱۳۸۵: ۵۷-۵۸).

نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای ایدئولوژی اسلام و قانون اساسی مبتنی بر آن ایدئولوژیست. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به جهت ایدئولوژیک و دینی بودن نظام سیاسی،

ایدئولوژیک محور است و یکی از عناصر تاثیرگذار و محوری بشمار می‌آید. ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران ریشه در فرهنگ ملی و مذهبی و از ابعاد ماوراء الطبیعه دارد. به همین دلیل از جنبه اعتقادی و ایمانی برخوردار است. لذا منافع ملی را بیش از آن که در ظرف ملی تعقیب نماید در چارچوب اسلام شیعی جستجو می‌کند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی از ایدئولوژی به عنوان ابزاری برای هویت‌سازی در نظام بین‌الملل استفاده می‌کند و به دنبال صیانت از ارزش‌های ایدئولوژیک و دینی در رفتار سیاست خارجی است (الهی و ترکاشوند، ۱۳۹۹: ۳).

ج) تبیین نظری اهداف ایدئولوژیک انقلاب اسلامی در حوزه سیاست خارجی

با وقوع انقلاب اسلامی، در روابط بین‌الملل دو تحول بنیادی به وقوع پیوست: ۱) اسلام و فرهنگ در رویدادهای جهان در محوریت قرار گرفت. ۲) نظام جمهوری اسلامی بر پایه الگوی ولایت فقیه که آغازگر دوران جدیدی در سیاست خارجی قلمداد می‌شود استقرار یافت (مولانا و محمدی، ۱۳۸۷: ۷). از دیدگاه تحلیل سیاست خارجی، جمهوری اسلامی بازیگری خاص می‌باشد. خاص بودن آن، ناظر است بر هویت خاص اسلامی این نوع از دولت‌ها و عدم داشتن تجربه ای مشابه در بین سایر دولت‌های اسلامی است. این چنین عنوان نمود که، اسلامی بودن بیان‌کننده هویت جمهوری اسلامی ایران و تعیین‌کننده منافع و مشخص‌کننده اهداف سیاست خارجی و چگونگی هدایت سیاست خارجی می‌باشد (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۲۱). جمهوری اسلامی ایران شامل یک مجموعه از ویژگی‌ها و خصایص داخلی مانند سیاست‌ها و فرایندهای قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری، شرایط نخبگان حکومتی، سیاست‌های بوروکراتیک، گروه‌های موثر و الزامات سیاست‌های داخلی متفاوتی می‌باشد. با توجه به اینکه انقلاب اسلامی ایران اساساً در دسته‌بندی انقلاب‌های ایدئولوژیک قرار دارد، به تبع، اصول ایدئولوژیک بیشترین سهم را در تبیین اصول و قوانین حاکم بر رفتار جمهوری اسلامی به خود اختصاص می‌دهد. بازتاب این ویژگی را در حوزه سیاست خارجی، می‌توان در مقدمه قانون اساسی (ذیل شیوه حکومت در اسلام) اصل سوم (بند ۱۶) و نیز اصول ۱۵۲ تا ۱۵۵ قانون اساسی مشاهده نمود. اصولی که بر حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حمایت از مستضعفان، آرمان تشکیل امت واحد اسلامی، حمایت از جنبش‌های رهایی‌بخش و اسلامی و نیز تقابل‌گرایی با سلطه‌گران جهانی تأکید دارد، نشان‌دهنده میزان تأثیرگذاری ایدئولوژیک انقلاب بر سمت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران در دوره پسا انقلاب می‌باشد (محمودی کیا و دهشیری، ۱۳۹۸: ۴۱). تأمل در رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حکایت از وجود اصول، هنجارها و اهداف

ایدئولوژیکی بسیاری دارد که طی دهه‌های اخیر بروز پیدا کرده است. براین اساس به نظر می‌رسد این درهم تنیدگی چندلایه بین اصول و مبانی ایدئولوژیک با راهبردهای اقدام در عرصه سیاست خارجی، بافتار مقاومتی از الگوی کنش را در این عرصه پدید آورده که بر محوریت ایدئولوژی انتظام دارد. همچنین پوسته نرم آن، انتخاب‌های سیاست خارجی در تعامل با محدودیت‌های ناشی از ماهیت و ساختار نظام بین‌الملل، براساس اصل «اجتناب ناپذیری»، تاکتیک‌های متفاوتی را دنبال می‌کند.

د) نظریه گفتمان

گفتمان، مجموعه‌ای از گزاره‌های مستقل است که به صورت منطقی ترکیب شده‌اند و به صورت معنادار، رفتار، گفتار و پدیده‌هایی از این دست تولید می‌کنند (Frank, 1992, P.100). آنچه در تحلیل گفتمان کانونی است، پرداختن به «بافت» و «زمینه» متن فراتر از خود «متن» است؛ واژه‌ها و عناصر زبانی در عرصه سیاسی به خودی خود معنایی را منتقل نمی‌کنند و بایستی آنها را در بافت و متن خاص خود مفصل‌بندی کرد. هر گفتمان سیاسی حاوی اصول و قواعدی است که شکل خاصی از زندگی و کردارهای سیاسی را ممکن، خودفهمی‌های فردی را به شکل ویژه‌ای تعریف و برخی امکانات سیاسی را محقق و برخی دیگر را حذف می‌کند. ظهور، تکامل و بسط گفتمانها در سایه غیر یا خصم صورتبندی می‌شود (تاجیک، ۱۳۸۶، ۱۴۹). تحولات سیاست خارجی تابعی از تحولات گفتمانی در بستر اجتماعی- سیاسی خاص بوده‌است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۲). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران فاقد یک استراتژی ملی منسجم بود و در قالب گفتمان‌های مختلف مانند مصلحت‌محور، ارزش‌محور، عملگرا، فرهنگ‌محور و عدالت‌محور بروز یافت (ازغندی، ۱۳۸۳، ۱۲۴). اهمیت گفتمان‌ها در سیاست خارجی کشورها در چند دهه اخیر به دلیل گسترش فناوری - اطلاعات و ضرورت پاسخگویی و اقناع افکار عمومی، افزایش یافته است. بر این اساس، گفتمان یک دولت در سطح سیاست خارجی امروزه به سرعت می‌تواند بسترساز نزدیکی، دوری، همسوئی یا اصطکاک میان بازیگران گردد. سرعت و ابعاد پیامدهای ناشی از گفتمان‌های سیاست خارجی در جهان امروز در دولت‌های ایران نیز به وضوح قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد یکی از علت‌های تنوع گفتمانی و تغییر و تحولات سریع اقتصادی و اجتماعی این است که ایران یک جامعه در حال گذار است. گفتمان هژمونیک در فرایند انقلاب اسلامی که ریشه در سنت اسلام دارد، به صورت بنیادین سیاست‌های اعلامی ایران را در تعریف "خود" و "دیگر" تغییر داد (دهقانی فیروزآبادی،

گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همانند دیگر حوزه های داخلی و خارجی با محوریت دال مرکزی ولایت فقیه، مفصل بندی تثبیت شده دارد و شامل دال های استقلال، نفی سلطه پذیری، نفی سلطه جویی و... می شود. در قانون اساسی به صورت خاص در مورد سیاست خارجی، اصل ۱۵۲ و بند ۱۶ از اصل ۳ مفصل بندی گفتمان جمهوری اسلامی حول دال مرکزی را نشان است.

پیشینه و بیان مساله

سیاست خارجی استراتژی طراحی شده به وسیله سیاستگذاران یک کشور در مقابل دولت ها یا عناصر بین المللی دیگر برای رسیدن به اهداف ملی و تامین منافع ملی است. بعد از انقلاب از گفتمان های متعددی در عرصه سیاست خارجی نام برده شده، در دوره آقای احمدی نژاد نیز شاهد حاکم شدن گفتمانی به نام اصولگرایی عدالت محور بودیم که تکوین دهنده هویت جمهوری اسلامی در آن مقطع زمانی بوده و نقش های گوناگونی را برای دولت در عرصه بین المللی تعریف نموده است. روابط بین المللی پیچیده امروز، ضرورت اتخاذ رفتار خردمندانه برای کسب بیشترین بهره از کمترین امکانات و شرایط بحرانی و حتی کوچکترین روزنه های دیپلماتیک را اجتناب ناپذیر می کند. آنچه در این تحقیق موضوعیت دارد، احصاء مؤلفه هایی است که بر اساس آن ایدئولوژی درسیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در ثقل موضوع آن است. از این رو محقق به بررسی نقش ایدئولوژی پرداخته و مبانی و چارچوب های فکری خاص این دوره را که از سوی مسئولان اصلی دستگاه دیپلماسی دولت شکل گرفته و منجر به احیاء واقعیت ها، ارائه پیامها و اشارات در محیط داخلی و خارجی در چارچوب آن معنا، تفسیر و تعبیر شده است واکاوی نموده است. پژوهش های متعددی در این خصوص انجام شده که در هریک به ابعاد گوناگون آن به شرح زیر اشاره گردید:

قوام، (۱۴۰۰)، در کتاب خود با عنوان «اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل» عنوان می - کند: محیط بین المللی، از پویای و تحرکی زیادی برخوردار می باشد که به سادگی نمی توان تعاملات مابین بازیگران را در یک مسیر خطی و ساده ارزیابی نمود. مؤلف سعی نمود تا با تجدیدنظرها، ابهامات را برطرف کرده و به تجزیه و تحلیل دقیق تر وقایع کمک نماید. ثمره، (۱۳۹۷)، در مقاله ای با عنوان «نقش عمل گرایی در سیاست خارجی و گسترش روابط بین المللی» بیان داشته است: عمل - گرایی ابزاری تجربی و فلسفی است که نشان دهنده گزاره های متافیزیک هستی شناختی را باید کنار

گذاشت و به مسائل عملی پرداخت. یافته‌های این محقق نشان می‌دهد نظریه پردازی انتقادی عمل-گرایانه یک گام مهم است که به صراحت لزوم شکل دادن روابط بین‌الملل در سطح جهانی را براساس دانش‌های متعدد محلی مطرح می‌کند. محمودی‌کیا، (۱۳۹۷)، در پژوهشی به «بررسی سیاست خارجی ایدئولوژیک؛ از نظریه تا عمل» پرداخته است. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد، هرچند هنجارها و ارزش‌های ایدئولوژیک در بیشتر کشورها به درجاتی در عمل سیاست خارجی تأثیرگذار هستند، ولی این ارزش‌ها سهم قابل توجهی در سیاست‌گذاری و اجرای سیاست خارجی ایران داشته و در حکم اصول راهبردی آن محسوب می‌شوند. در واقع، علیرغم دیدگاه غالب که سیاست خارجی ایران را سیاستی عمل‌گرایانه می‌داند. باقری دولت‌آبادی و شفیع سیف‌آبادی، (۱۳۹۷). در کتاب مشترک خود «از هاشمی تا روحانی» سیاست خارجی ایران را در دوره‌های ریاست جمهوری حسن روحانی بررسی کرده است. نویسندگان در این اثر کوشیده‌اند تا عواملی را که سیاست خارجی ایران را در برهه زمانی یادشده تحت تأثیر قرار داده و آن را شکل داده‌اند از جنبه‌های گوناگون بررسی و تجزیه و تحلیل کنند. خسروی باباناری، (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای باعنوان «رویکرد سیاست خارجی دولت یازدهم نسبت به نظم و امنیت منطقه خاورمیانه» با توجه به رویکردهای متفاوت دولت در جمهوری اسلامی ایران به منطقه خاورمیانه و موضوع نظم، هدف اصلی این پژوهش پرداختن به رویکرد سیاست خارجی دولت یازدهم در جمهوری اسلامی ایران به مسئله نظم در منطقه خاورمیانه است. با روی کارآمدن دولت یازدهم، نگاه دستگاه سیاستگذار خارجی به موضوع نظم از یک نگاه تقابلی به یک نگاه تعاملی تغییر جهت داد و دولت روحانی تلاش کرد تا در چهارچوب سیاست تنش‌زدایی و تعامل سازنده بار دیگر نظم پایدار منطقه‌ای را شکل دهد. حسن‌خانی و محمدی‌سیرت، (۱۳۹۶)، نسبت عملی منافع ملی و ایدئولوژی اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را بررسی نموده است. نتایج این پژوهش نشان داده است که جمهوری اسلامی براساس مشی عاقلانه، تعقیب مصالح عالیله خویش را اولویت بخشیده و با بهره‌گیری از ظرفیت نظریه «حفظ نظام»، نسبت میان منافع ملی و مبانی اسلامی را مشخص کرده است؛ بررسی نسبت یادشده در مقام تجربه، گویای یگانگی یا کمترین عدم تعارض است و با آنچه در مقام نظر از دوگانگی و تراحم، مطرح است، فاصله دارد.

شاخص‌های سیاست خارجی دولت احمدی نژاد

پس از انتخابات مرداد ۱۳۸۴ و با شروع دولت احمدی نژاد، گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دچار تحولات داخلی گردید. این گفتمان دارای تفاوت‌هایی نسبت به گفتمان‌های پیشین خود می‌باشد. در واقع، سیاست خارجی ایران در گفتمان اصول‌گرایی، "تهاجمی" و نسبت به غرب و امریکا رویکردی تقابلی پیدا کرده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۹۴). احمدی نژاد نوعی رویکرد تهاجمی و ایدئولوژیکی را در سخنرانی‌های خود در مقابله با دشمن لحاظ نمود و سیاستی برخلاف سیاست‌های دولت قبل (خاتمی) در پیش گرفت (دهشیری، ۱۳۹۰: ۱۰). چرخش در مولفه‌های سیاست خارجی را می‌توان در بیانات وزیر امور خارجه دولت احمدی نژاد ملاحظه نمود. "ما در واقع در سیاست خارجی براساس لبخند غرب نوعی واگذار کردن و نوعی وادادگی را مشاهده کردیم و این برای ما قابل پذیرش نبود" (متکی، ۱۳۸۶: ۴۶). احمدی نژاد برای ممانعت از انزوای ایران که نتیجه تهاجمی و تقابلی گرایانه انقلاب اسلامی می‌باشد، سیاست خارجی از نوع "تعاملی - تقابلی" در برابر کشورهای غیرغربی و در برابر دولت‌ها و ملت‌های غربی دیپلماسی عمومی فعال برگزیده است. همچنین سیاست به چالش راندن قدرت‌های بزرگ و سلطه آنها بعد از اتمام جنگ جهانی دوم، بخشی دیگر از گفتمان بین‌المللی احمدی نژاد است (Warnaar & Maaik, 2013: 91).

سیاست تعاملی با دول همسایه و گرایش به سمت شرق در مورد انرژی هسته‌ای و مقایسه با دولت‌های قبل بارزتر می‌باشد. می‌توان سیاست‌های تقابلی را، از برگزاری کنفرانس هولوکاست، قطار بی‌ترمز سیاست انرژی هسته‌ای توصیف کرد همچنین بازداشت سربازان انگلیسی در خلیج فارس و تحقق دنیای فاقد آمریکا و اسرائیل بیان کرد (آرمین، ۱۳۸۵: ۱۵). سیاست خارجی دولت احمدی نژاد را میتوان در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران ملاحظه نمود. بنابراین، سه اصلی که از سوی رهبر ایران در سیاست خارجی (حکمت، عزت و مصلحت) عنوان شد، بخشی بلافصل سیاست خارجی دولت‌های وقت را تشکیل داده است. اما سایر مولفه‌های سیاست خارجی دولت نهم و دهم را در دو عنوان کلی می‌توان بیان داشت:

الف) سیاست نگاه به شرق (مصادق آن انرژی هسته‌ای)

ب) دیپلماسی رسانه‌ای (مصادق آن مخاطب قرار گرفتن مردم سایر کشورها)

۱. interactive and confrontational

۲. interactive and confrontational

احمدی نژاد در ابتدای به دست گرفتن قدرت اعلام نمود: " روابط با کشورهای همسایه، آمریکای- جنوبی، کشورهای آفریقایی، کشورهای دوست و کشورهای که داعیه سلطه‌گری ندارند، در اولویت سیاست خارجی ماست." وزارت امور خارجه ایران در سال ۱۳۸۵ تصریح نمود، رویکرد سیاست خارجی دولت به سمت شرق هدف‌گذاری شد (ثقفی، ۱۳۸۴: ۴۶). از رویدادهای سیاست خارجی دولت احمدی نژاد روشن است، گرایش به سمت شرق با نگاهی سیاسی و غیراقتصادی می باشد و موجب شده است سایر کشورهای همراه ایران در خصوص انرژی هسته‌ای در گام‌های بعدی راهی جدا از ایران در پیش گیرند. در راستای همکاری ایران با ملل آسیایی و شرقی در چارچوب سیاست "نگاه به شرق" هر طرحی زمانی موفقیت خواهد بود که بر همکاری‌های تجاری، اقتصادی و پرهیز از به چالش راندن قدرت‌های بزرگ مبتنی باشد (همان، ۱۳۸۴: ۲۳). دولت احمدی نژاد از سیاست نگاه به شرق به عنوان یک راهبرد جهت ایجاد تعادل بین نگاه به شرق و غرب استفاده می کرد و سیاست نگاه به جنوب در راستای مقابله با سلطه‌گری شمال مورد توجه بود (عیوضی، ۱۳۸۷: ۱۲). به- این ترتیب، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و با توجه به این که برخی از کشورهای آمریکای- لاتین مثل ونزوئلا، بولیوی، و کوبا دارای سیاست ضدآمریکایی هستند، تلاش ایران در راستای تشکیل جبهه ضداستکبار، معطوف به این کشورها شده است (همان، ۱۳۸۷: ۱۳).

انتخاب رویکرد تقابل‌گرا با آمریکا و نادیده انگاشتن تأثیر نفوذ آن در خاورمیانه و کشورهای در حال توسعه، موجب شد تا سیاست چرخش به شرق در خصوص انرژی هسته‌ای دستاورد مهمی قلمداد نگردد. رأی روسیه به قطعنامه سوم شورای امنیت سازمان ملل، قسمت دیگری از ناکامی در سیاست نگاه به شرق است (امین زاده، ۱۳۸۶: ۱۵۰). با این حال، سیاست نگاه به شرق در شرایطی مطرح شد که توانایی آمریکا در سیاست خارجی و کشورهای عضو اتحادیه اروپا در خاورمیانه و شرق، در گیر چالش‌هایی بوده است. چرا که منافع مشترک ایران با دول شرقی بیشتر از منافع آن کشورها با آمریکا می باشد. این در حالی است که، منافع اروپا برای حفظ ثبات در منطقه با منافع آمریکا هم‌پوشانی دارد و تفاوت موجود، از حیث تاکتیک‌ها و اولویت‌ها است (احتشامی، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

در سیاست جدید هسته‌ای (اکتبر ۲۰۰۵) ایران اعلام کرده است، ضمن قبول ادامه همکاری با آژانس هسته‌ای، تحت هیچ عنوان در خصوص تعلیق و توقف غنی سازی مذاکره ای نمی

۱. Looking east

کند(حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۱۸). همزمان پیام سیاست خارجی ایران، بیشتر از سایر بخش ها از سوی رئیس جمهور به واسطه کاربست دیپلماسی رسانه‌ای پی گرفته شده است. استفاده از رسانه ها توسط رهبران، جهت بیان منافع در مذاکرات، اعتمادسازی و بسیج حمایت عمومی دیپلماسی رسانه ای می باشد. در دیپلماسی عمومی، برخلاف دیپلماسی رسمی سستی، هدف عموم مردم در سایر جوامع، به خصوص گروه های غیررسمی جامعه مدنی است(دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

امروز رهبران کشورها از ارتباطات جهانی به عنوان ابزاری بسیار مهم برای پیشبرد مذاکرات و ارسال پیام به کشورهای دیگر و ساکنان سرزمین‌های دیگر استفاده می‌نمایند(گیلبوآ، ۱۳۸۸: ۳۳). امروزه ما در شیوه ارسال پیام‌های دیپلماتیک با قدرت‌های بزرگ شاهد تغییراتی می‌باشیم، استفاده از دیپلماسی عمومی از جمله محوری‌ترین ابزارها در سیاست خارجی دولت احمدی نژاد در توسعه و ترویج عدالت‌خواهی و انتقال ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران در فضای بین‌الملل بوده است. حضور در بین مردم، گفتگو با آنها و مصاحبه‌های گوناگون انجام شده با رسانه‌های خارجی، نشان دهنده و تایید کننده علاقه احمدی نژاد به دیپلماسی عمومی است. در همین چارچوب، می‌توان سخنرانی وی در دانشگاه کلمبیا و هشت بار حضور و ایراد سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد قابل ارزیابی کرد. به اعتقاد نویسنده کتاب "گفتار در روش ایرانیان"، احمدی نژاد زبانی فرا دیپلماتیک و متفاوتی را برای سخنگویی با جامعه ملل و دولت‌ها برگزید. دیپلماسی دولت احمدی نژاد، بر مفاهیم، فطرت و حقیقت آدمیان بنا شده است و جان و طینت انسان‌ها را مخاطب قرار می‌دهد(زارعی، ۱۳۸۶ الف: ۱۰).

عناصر گفتمانی دولت محمود احمدی نژاد

دال مرکزی

مرکز ثقل گفتمان اصول‌گرایی دولت نهم و دهم "عدالت" می‌باشد. همه دال‌ها و سایر مفاهیم نسبت به آن معنا یافته‌اند. اصول حاکم بر این گفتمان برحسب دال‌های برآمده و مفاهیم سه‌گانه (دولت - ملت، انقلاب اسلامی و نظام بین‌المللی)، از یکدیگر متمایز می‌گردند. با توجه به این مطلب، عناصر و مفاهیم قوام بخش گفتمان اصول‌گرایی به شرح زیر تعریف می‌شوند.

۱. justice

دال شناور

الف) دولت و ملت جمهوری اسلامی ایران: سیاست خارجی از وجوه واحد سیاسی دولت سرزمینی و دولت-ملت می‌باشد. چگونگی تصور دولت در هر گفتمانی، دارای نقش اساسی در تعریف و تعیین سیاست خارجی آن دولت است. از این‌رو، درک عناصر سازنده دولت-ملت در گفتمان دولت احمدی نژاد ضروری می‌باشد. بنابراین فهم و تحلیل در سیاست خارجی دولت اصولگرایی احمدی نژاد، بدون تبیین هویت و فهم آن، همچنین فهم منافع، اهداف و کارکرد دولت امکان پذیر نیست. دولت و ملت جمهوری اسلامی ایران، از جمله اصلی‌ترین عناصر گفتمان سیاست خارجی دولت احمدی نژاد، که متأثر از نظام ادراکی و نگرش آن دولت به آرمان‌ها و اصول انقلاب اسلامی ایران می‌باشد، تأثیر بسیاری بر سیاست خارجی ایران داشته است؛ بنابراین تحلیل نگرش دولت احمدی نژاد در خصوص این مقوله خواهد توانست به درک و فهم سیاست خارجی و نظام گفتمانی آن کمک کند. درگفتمان اصولگرایی، دولت براساس ایدئولوژی و جهان‌بینی اسلام شیعی تعریف و بر مبنای یک واحد سیاسی، هویتی اسلامی دارد و مشروعیت خود را بر مبنای اسلام تعریف می‌کند. در این دیدگاه، اصلی‌ترین رسالت دولت‌ها، تعهد و عمل به آرمان‌ها، حفظ اسلام و ارزش‌های اسلامی است. به این صورت که تعالی بشر و اوج منزلت آنها به جایگاهی شایسته و بر اساس ارزش‌های اسلامی می‌رسد. دولت و ملت جمهوری اسلامی ایران شامل سه عنصر اساسی؛ ماهیت و هویت ملی، دولت جمهوری اسلامی ایران و منافع ملی می‌باشد.

ب) هویت و نقش ملی: دولت ملی درگفتمان اصولگرایی، مانند سایر خرده گفتمان‌های اسلام‌گرا، در چهارچوب ایدئولوژی و جهان‌بینی اسلامی-شیعی تعریف می‌گردد. براین اساس، در این گفتمان، دولت فاقد ماهیتی سکولار و عرفی و دارای سرشتی دینی است. از نظر سیاست اخلاقی، این گفتمان بر دولت و حکومتی تکیه داده است که تأسیس جامعه‌ای دین محور مشتمل بر اصول و ارزش‌هایی فرامکانی و فرازمانی از شریعت اسلام که سعادت دنیا و آخرت انسانها را تأمین کند، در مرکز ثقل خود قرار داده است. از این‌رو، وی، نه تنها تأمین سعادت انسان‌ها در جامعه داخلی را وظیفه دولت برمی‌شمارد، بلکه از جمله مهمترین رسالت‌های سیاست خارجی را تعالی جوامع انسانی معرفی کرده است. وی در تاریخ ۱۳۸۵/۶/۲۹ در شصت و یکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل در سخنرانی خود و در نامه‌ای به بوش، به دفعات متعدد به این مسئولیت فراملی دولت اسلامی تأکید

نمود. است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۱۵۰-۱۵۸). پایبند شدن عملی و نظری دولت نهم و دهم به آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی و انقلابی بر اساس ایدئولوژی اسلام شیعی قابل تعریف است. عنصر قوام بخش هویت جمهوری اسلامی ایران، در دولت احمدی‌نژاد، "عدالت‌خواهی"^۱ است و به گونه ایجابی و سلبی پیگیری می‌شود. اصلی‌ترین تلاش دولت در راستای مبارزه با بی‌عدالتی و ارائه نظام عادلانه و مطلوب اسلامی تعریف می‌گردد.

تأثیرگذاری هویت ملی در سیاست خارجی، به واسطه تعریف و تعیین نقش‌های ملی برای جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است. گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور، که قوام دهنده هویت دولت یا حکومت عدل اسلامی برای جمهوری اسلامی ایران است، نقش‌های ملی فراوانی برای آن در سیاست خارجی ارائه می‌نماید. نقش‌هایی مثل دولت عدالت‌گستر و ظلم‌ستیز، استکبارستیز، مدافع اسلام و تشیع، حامی مستضعفان، حامی جنبش‌های آزادی‌بخش و... به نظر می‌رسد، گفتمان اصولگرایی، نقش ملی عامل ضد استکبار را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی در اولویت قرار داد. آن‌گونه که رهبر انقلاب عنوان می‌کند: "شاخص سیاست خارجی در ایران، نفی رابطه سلطه‌گر با سلطه‌پذیر و مقابله ای هوشمندانه با نظام سلطه جهانی می‌باشد" (حسن پور، ۱۳۹۴: ۸۹).

ج) منافع و اهداف ملی: در گفتمان اصولگرایی که بازگو کننده منافع و اهداف ملی در هویت اسلامی انقلابی جمهوری اسلامی ایران بوده است. سنگ بنای اصلی نظام سیاسی ایران، مبتنی است بر ایرانی و اسلامی بودن، اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی. براین مبنا، همچنین اهداف ملی از آرمان‌های اسلامی و انقلابی قابل تعریف است. در گفتمان اصولگرایی دولت دهم احمدی‌نژاد، مصالح اسلامی و آرمان‌های انقلابی از اصالت ذاتی و ایرانیت از اصالت عرضی برخوردار می‌باشد. به این مفهوم، منافع ملت ایران در راستای منافع و مصالح اسلامی و انقلابی، قابل تعریف می‌باشد. از این جهت، دولت "عدالت‌محور"^۲، دولتی است اسلامی، برآمده از انقلاب اسلامی که شالوده‌شکنی ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل جهت ایجاد نظم عادلانه در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و... با در نظر گرفتن منافع ملی، مصالح اسلامی و انقلاب اسلامی ایران را در پیش گرفته است (همان، ۱۳۹۴: ۹۱). در چارچوب گفتمان اصولگرایی، هویت اسلامی- انقلابی، معنا و مدلول منافع ملی

^۱. Seeking justice

^۲. Justice oriented

جمهوری اسلامی ایران را تعیین می‌نماید. عناصر بنیادی نظام سیاسی ایران، اسلام و به تبع آن انقلاب اسلامی می‌باشد، از این رو منافع و اهداف ملی ایران نیز، مبتنی بر آرمان‌ها، ارزش‌ها، اصول اسلامی و انقلاب اسلامی می‌باشد. مهمترین ارزش‌ها برای ملت ایران ارزش‌هایی است که اسلام مقرر کرده است و انقلاب اسلامی نیز بر آن تأکید ورزیده است. با توجه به این‌که رهبر انقلاب اسلامی، اصول انقلاب اسلامی را از منافع ملی ایران جدا نمی‌داند، بنابراین جمهوری اسلامی ایران نیز، دولتی اسلامی برآمده از انقلاب اسلامی، علاوه بر تعقیب و تأمین منافع و اهداف ملت ایران، می‌باید مصالح اسلامی و آرمان‌های انقلاب اسلامی در سیاست خارجی پیگیری و برای دستیابی به اهداف اقتصادی و امنیتی فعالانه تلاش کرده و همچنین منافع و اهداف مبتنی بر نظم جهانی و ایدئولوژیک را در سیاست خارجی خود تأمین کند (قوام، ۱۴۰۰: ۱۵۶).

د) انقلاب اسلامی: در گفتمان اصولگرایی، انقلاب اسلامی ایران فقط یک انقلاب ملی نیست که محدود به سرزمین ایران باشد، بلکه به خاطر ماهیت اسلامی که دارد، از هویت و کارکرد فراملی برخوردار بوده است و بنا بر اقتضای هویت خود، صدور اسلام و اصول انقلاب اسلامی از جمله مهمترین مؤلفه‌های صدور انقلاب دولت نهم و دهم می‌باشد. انقلاب اسلامی ایران در سطح ملی و فراملی به دنبال دو هدف اصلی است. در سطح ملی، شامل عدالت، مردم سالاری، حاکمیت اسلام، آزادی و نفی استبداد و در سطح فراملی به دنبال، نفی سلطه و سلطه‌پذیری، استکبارستیزی، وحدت در جهان اسلام، حکومت جهانی اسلام، دفاع از حقوق مستضعفین و ایجاد صلح و عدالت جهانی (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۸۲). بدین جهت، دولت احمدی نژاد در پی توسعه عدالت با ساختاری اسلامی و انقلابی در سطح ملی و فراملی در گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور بوده و همچنین در سیاست خارجی خود، به مقابله با ساختارهای نظام بین‌المللی تثبیت شده از سوی قدرت‌های بزرگ برخاسته است و با ارائه شعار و عمل به آن در عرصه بین‌المللی، به دنبال تحقق عدالت اسلامی در تمامی زمینه‌ها می‌باشد. بنابراین گفتمان اصولگرایی، مهم‌ترین وجه تمایز انقلاب اسلامی ایران، اسلامی بودن آن است. بدیهی است اولین علت وجودی و اساسی‌ترین هدف حصولی انقلاب اسلامی، اسلام‌خواهی در داخل و خارج از ایران است. در نهایت، اولین هدف انقلاب در داخل کشور، محقق شدن ارزش‌های اسلامی در چارچوب یک دولت اسلامی و در عرصه بین‌المللی، گسترش و توسعه این ارزش‌ها در کشورهای دیگر جهت ایجاد جامعه‌ای جهانی اسلامی و استقرار نظم جهانی اسلام از طریق انقلاب اسلامی است (رادفر و فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

ر) **نظم و نظام بین الملل:** با وجود اینکه دال‌های شناور دولت ملی، انقلاب اسلامی و قضیه‌های ناشی از این دو، نقش تعیین‌کننده در ایجاد و دوام گفتمان اصول‌گرایی ایفا می‌کند، اما آنچه سبب جدایی هرچه بیشتر خرده گفتمان‌های اسلامی از خرده گفتمان اصول‌گرایی می‌شود، دال میان‌تهی نظم و نظام بین‌الملل می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۸۳). چنین متصور است، شیوه نگرش دولت‌ها به ساختار نظام بین‌الملل از یک طرف و ترسیم و تعقیب برنامه جهت ایجاد نظامی نوین و مطلوب اسلامی از طرف دیگر، باعث تفاوت بین گفتمان سیاست خارجی دولت‌های ایران شده است؛ از این‌رو تمام گفتمان‌ها در مورد حذف ساختار نظام بین‌الملل و عدم تطابق با نظام اسلامی با یکدیگر اتفاق نظر دارند و در مورد اولویت‌ها و نحوه اجرا از لحاظ امکان‌پذیری، با هم متفق نیستند. این اختلاف تا حدی ناشی از نگرش آرمان‌گرایانه یا واقع‌گرایانه دولت‌ها به نظام بین‌الملل است و بیانگر گفتمانی خاص می‌باشد و با ارائه دال متعالی خود، مفصل بندی دال‌های انقلاب اسلامی، دولت ملت، نظام بین‌الملل و دال‌های برگرفته از آن، به دنبال واسازی یا برسازی نظام کنونی به نظام مطلوب اسلامی می‌باشد (اشرفی و سلطانی گرد فرامرزی، ۱۳۹۷: ۱۰۸). دولت احمدی نژاد، عدالت را در مرکز ثقل گفتمان خود مستقر نمود تا مطابق با نگرش دولت به ساختار نظام بین‌الملل باشد. از این‌رو نشان دهنده توانایی بالا در شالوده شکنی ساختار نظام بین‌الملل و بر پایی نظم مطلوب اسلامی است. وی ساختار حاضر در نظام بین‌الملل را ناعادلانه و نامشروع دانسته و برای مقابله با بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها، به طور سلیبی به واسازی نظم موجود تلاش می‌کرد و از طریق مشروعیت‌زدایی و غیرطبیعی جلوه دادن نظم حاضر، زمینه را برای حذف آن فراهم می‌نمود و به صورت ایجابی در پی ترویج و تثبیت نظم و نظام عادلانه جهانی می‌بود.

کلیه خرده گفتمان‌های اسلام‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در خصوص عدم سازگاری و منطبق بودن با نظم و نظام بین‌الملل موجود با نوع اسلامی مطلوب آن، دارای اتفاق نظر یکسانی‌اند. آن‌ها در این اصل بنیادی مشترک‌اند که، نظم بین‌المللی معطوف بر نظام دولت-ملت موجود، آن نظم جهانی مطلوب که بر مبنای مرزهای عقیدتی دارالاسلام و دارالکفر باشد نیست. از این‌رو این نظم و نظام بین‌المللی موجود که با نظم بین‌المللی اسلامی منطبق نبوده، فاقد مطلوبین خواهد بود. در این راستا می‌بایست نظم و نظام بین‌الملل دولت محور به نظام جهانی اسلام تبدیل گردد. با این وجود، خرده گفتمان‌های اسلامی در خصوص امکان‌پذیر بودن، چگونگی و اولویت انتقال از وضعیت حاضر به یک نظم مطلوب اسلامی، فاقد اتفاق نظر می‌باشند (دهقانی فیروزآبادی،

۱۳۸۶: ۸۹). گفتمان اصولگرایی که حول محور دال متعالی عدالت، هویت یافته و همه دال‌ها براساس آن معنا می‌یابد، اهمیت و اولویت خاصی برای تحقق این هدف راهبردی و جمهوری اسلامی ایران قائل می‌باشد؛ چون نظم و نظام بین‌المللی موجود را کاملاً ناعادلانه، نامشروع و نامطلوب می‌داند (Diyant & Nejatpour, 2017: 133). لذا، عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری ایجاب می‌نماید تا تغییر وضع موجود در جهان جهت تأمین وضع و نظم مطلوب اسلامی جزو اولویت‌بندی اول اهداف سیاست خارجی قرار گیرد. این موضوع به مفهوم عدم پذیرش نظم سلطه و ناعادلانه موجود، مقابله با آن و تلاش در جهت اصلاح ساختاری، هنجاری و نهادی آن خواهد بود. برای تحقق اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی لازم است اصلاح و تغییر نظم بین‌الملل مستقر و ابعاد سه‌گانه نظام بین‌الملل معاصر صورت گیرد (محمدیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۷). بنابراین، مقابله بانظام سلطه، سلطه‌گران و انتقاد از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی با هدف تغییر و دگرگونی آن برای استقرار نظم و نظام عادلانه و مطلوب اسلامی است.

ز) **آرمانگرایی:** آرمان‌گرایی یعنی داشتن آرمانی برای به وجود آوردن نظم مطلوب اسلامی برای دنیای بشریت، تأمین در عرصه واقعی و تحقق آن. در سیاست خارجی، آرمان‌گرایی تابع تعریف نظام و وضع مطلوب در چارچوب اسلام و انقلاب اسلامی متجلی در قلمرو ایران است. احمدی‌نژاد در سخنرانی خود که در دانشگاه کلمبیا در پاسخ به پرسش خبرنگار، مبنی برارتباط تهران و واشنگتن ارائه نموده است، اعلام نمود: ”به مدیریت امروز جهان اعتراض داریم و معتقدیم مدیریت فعلی نمی‌تواند به صلح، دوستی، و عدالت در جهان بینجامد“ (احمدی نژاد، [jamejamonlin](http://jamejamonlin.com)، ۱۳۸۶). در عرصه نظام بین‌الملل، ترجمان این ادبیات نوعی تجدیدنظرطلبی از طرف دولت عدالت‌محور می‌باشد. دولت، در گام اول جهت دستیابی به این هدف، با عدم به رسمیت شناختن ساختارهای نظام بین‌الملل که به نظر «نظام سلطه» می‌آید، به میدان وارد شد و طی آن، ضمن انکار کردن مشروعیت نهادها و سازمان‌های شکل یافته از این نظام، سعی دارد با ارائه یک طرح ایجابی «نظام مطلوب» خود را به نظام بین‌الملل ارائه کند.

ازاین‌رو، اقداماتی از سوی دولت احمدی نژاد جهت واسازی نظام ناعادلانه بین‌المللی با توصیف وضعیت کنونی انجام گرفت تا، با انجام این چنین اقدامات دیپلماتیک و استفاده از فرصت‌های بین‌المللی همچون گردهمایی سران دولت‌ها، سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل و... تلاشی ویژه را جهت توصیف نظام تک قطبی و ناعادلانه جهانی ارائه دهد. وی در سخنرانی خود در شهریور ماه

۱۳۸۵، درخصوص نظام تک قطبی و بی‌عدالتی به صراحت اشاره کرد. از نظر دولت وی، تبعیض در جامعه بین‌المللی، زمینه‌ساز بروز نا امنی، جنگ و تروریسم می‌باشد. همچنین عدم توجه به حقوق برابر در بین ملت‌ها، توزیع نادرست منابع در قلمرو حاکمیت دولت‌ها، و... ریشه ای عمیق در بی‌عدالتی نظام بین‌المللی و منطقه‌ای دارد. احمدی نژاد در اجلاس بین‌المللی مبارزه با تروریسم در مورد علت توسعه تروریسم عنوان نمود "گسترش تروریسم در جهان، نشانگر شکست اندیشه‌های مادی و نظام‌های سیاسی و اقتصادی مستقر در جهان و ناشی از گسترش بی‌عدالتی‌ها و فاصله‌های طبقاتی می‌باشد" (احمدی نژاد، ۱۳۹۰، ۱۲۷). از اینرو، دولت نهم احمدی نژاد در گام دوم خود و در جهت تحقق یافتن شعار "عدالت در نظام بین‌الملل، نفی نظام سلطه" را بر نظام بین‌الملل عاری از سلطه قدرت‌های استکباری دنیا تأکید می‌کند و در عمل با نفی نمودن تجاوزگری و مناسبات ناعادلانه قدرت، در تقابل آشکارا با نظام سلطه جهانی است. از دیدگاه اندیشمندان، گفتمان سیاست خارجی دولت وی، آشکارا در تقابل با نظام سلطه و هژمون‌گری امریکاست و همین مسأله سبب دشمنی هرچه بیشتر کانون‌های متخاصم برعلیه جمهوری اسلامی ایران و تحریم همه‌جانبه این کشور شده است (محمدیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۷).

ل) سلطه ستیزی: یکی دیگر از عناصر گفتمانی دولت احمدی نژاد سلطه ستیزی است که به معنی مبارزه با استکبار جهانی و مقابله کردن با نظام هژمونیک قابل تعریف است و دولت عدالت‌محور احمدی نژاد ماهیت و هویت خود را در سایه آن یافته است. براساس گفتمان این دولت، علت بسیاری از آشفتگی‌های نظام حاضر، وجود نظام سلطه در ساختارهای نظام بین‌الملل است که با زورگویی و پایمال نمودن حقوق مستضعفان، زیاده خواهی، تحقق عدالت را دچار مشکل نمود. اولین راهکار گفتمان این دولت در راستای واسازی نظام ناعادلانه بین‌المللی، مبارزه با نظام سلطه جهانی به رهبریت "امریکا" می‌باشد. در سیاست خارجی ایران استکبارستیزی به آن اندازه اهمیت دارد که مقام معظم رهبری آن را به عنوان شاخصی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی قلمداد کرده است (درخشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۰). از این‌رو، دولت احمدی نژاد از جمله مهم‌ترین اولویت‌ها و اهداف اصلی سیاست خارجی خود را "تقابل با استعمار فرانوا، امپراطوری نظام سلطه، نظام تک قطبی و مبارزه با نظام سلطه جهانی" بیان کرده است.

م) صلح طلبی: صلح‌طلبی عادلانه، عنصری دیگر از گفتمان عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است که بر مبنای موازین اصول‌گرایانه این گفتمان معنا یافته است. در واقع، این امر

نشانه‌ای از توجه به ارزش‌های انقلابی در تأمین امنیت و سعادت بشری بوده است که به طبع از آن، گفتمان دولت نهم و دهم، گفتمانی صلح‌طلب مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی و برگرفته از تکالیف و وظیفه جمهوری اسلامی در حوزه امنیت و سعادت انسان‌ها است. بنابراین، صلح معنایی فراتر از نبود جنگ یافته است، آن‌طور که وی، در اولین حضور خود در مجمع عمومی سازمان ملل عنوان نمود «ما معتقدیم نظم پایدار و مولد آرامش و صلح، آنگاه محقق خواهد شد که بر پایه عدالت و معنویت برپا شود. هرچه جامعه بشری از عدالت و معنویت دور شود، به همان نسبت به ناامنی نزدیک خواهد شد» (احمدی نژاد، farsnews: ۱۳۹۱(A)). در این گفتمان، صلح مطلوب صلحی است که تنها در سایه معنوی‌گرایی بشریت و تحقق کامل عدالت، در همه زمینه‌های امنیتی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... امکانپذیر است.

مطابق اصول گفتمانی دولت احمدی نژاد، جهت ایجاد صلح در جامعه، علاوه بر کنترل درگیری‌ها و جنگ‌ها، از خشونت دیگری هم می‌بایست جلوگیری کرد؛ خشونتی که مبتنی بر روابط اجتماعی کشورها با هم شکل می‌گیرد و از آن تحت عنوان خشونت ساختاری نام می‌برند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۱۰). خشونت ساختاری، به مفهوم نوعی رابطه اجتماعی که در آن، یک طرف به اعمال سلطه خود به طور کامل می‌پردازد، ولی طرف مقابل، از هرگونه اعمال خودسازی ناتوان بوده و محروم است می‌باشد. از جمله خشونت ساختاری هستند که در ساختارها و نهادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی وجود دارد عبارتند از: گرسنگی، قحطی، نژادپرستی، سرکوب، محرومیت، نابرابری، تبعیض نژادی، وابستگی، امپریالیسم. با این توضیح، جهت رسیدن به صلح و امنیت، لازم است مناسبات قدرت و ساختارهای سلطه و خشونت ساختاری را حذف نمود.

ه) **مهرورزی**: دولت احمدی نژاد، اصل دوم سیاست خارجی خود را "مهرورزی، دوستی و برادری" تعریف کرده است. وی در این مورد در افتتاحیه گردهمایی رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی گفته است:

"این اصل نیز منبعث از عدالت است، چراکه بدون عشق انسان‌ها به یکدیگر، محال است که جامعه بشری روی آرامش ببیند و دستگاه سیاست خارجی باید حرکات خود را بر مبنای عشق و دوستی با انسان‌ها تنظیم کند" (احمدی نژاد، ۱۳۸۷.donya). همچنین طی سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل (۱۳۹۱) عنوان می‌کند: "سازمان (سازمان ملل) باید دولت‌ها را به گسترش

معنویت و عشق به انسانیت رهنمون سازد؛ در این حالت، تحقق اتحاد ملل را پایه‌ریزی کرده است" (احمدی نژاد، farsnews: ۱۳۹۱(B)). بنابراین دولت وی تلاش کرد، با اتخاذ یک موضع مهرورزانه، به عمق نفوذ خود افزوده و یکی از اصول اخلاق‌گرایانه سیاست خارجی دولت وی محسوب می‌گردد که درسایه توجه به حفظ کرامت انسانی معنا خواهد یافت.

سیاست خارجی احمدی نژاد بر مبنای گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

در دوره دولت نهم و دهم برخلاف دوره اصلاحات کمتر شاهد استفاده از دال‌های شناور بودیم و بیشتر شاهد برجسته‌سازی دال‌های از قبل موجود هستیم. دال‌های برجسته شده در این دوره عبارتند از: نفی سلطه‌پذیری، استکبارستیزی و حمایت از مسلمانان و مستضعفان. همچنین در این دوره شاهد مفصل‌بندی جدیدی از دال‌ها که در دوره قبل در حوزه گفتمان هستیم. این دال‌ها که در دوره اصلاحات از حوزه گفتمان حاکم بنا به شرایط زمانی خارج شده مجدد مفصل‌بندی شدند و در گفتمان حاکم حول دال مرکزی آن گردآمدند و عبارتند از: ظلم ستیزی، سلطه‌ستیزی و استکبارزدایی، تجدیدنظرطلبی و شالوده‌شکنی نظام بین‌الملل و انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست.

لازمه چنین مفصل‌بندی جدیدی برجسته‌سازی استکبارستیزی و حمایت از مظلومین مثل فلسطین نیز بوده است. همزمان با این برجسته‌سازی شاهد به حاشیه رانده شدن دال‌های همانند اعتمادسازی، سازش و صلح طلبی نیز هستیم. اما این دال جدید (انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست) که از سال ۱۳۸۴ مفصل‌بندی جدیدی از گفتمان مدنظر ارائه داد. این رویکرد نو برخلاف سال‌های گذشته و خاطر دست نیافتن گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی به خواسته‌های خود در نظام بین‌الملل خصوصا در باره انرژی هسته‌ای، به دنبال ارائه نمودن سیاست خارجی تند ولی نمایشی از دال‌های ستیزه‌جویانه بوده است. احمدی نژاد با برجسته کردن دال انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست "گفتمان غالب در سیاست خارجی را به صورت مفصل‌بندی ای جدید تعریف نموده است. با روی کار آمدن دولت نهم احمدی نژاد، سیاست تنش‌زدایی دولت سابق، به سیاست تهدیدزدایی مبدل گردید. دیدگاه دولت نهم نسبت به دوره قبل این است که برآمد سیاست تنش‌زدایی، متوقف شدن فعالیت‌های هسته‌ای و یا واگذاری بخشی از حاکمیت ملی به بیگانگان می‌باشد. اما حاصل برآمد گفتمان تهدیدزدایی، توسعه فعالیت‌های هسته‌ای و ثبات حاکمیت ملی در تمامی عرصه‌ها می‌باشد و این شاید مهم‌ترین دلیل در مفصل‌بندی جدید از گفتمان حاکم باشد. لذا در پاسخ به صدور

قطعنامه‌های شورای امنیت، رئیس‌جمهور ایران در مراسم روز ملی فناوری هسته‌ای در تاریخ ۲۰ فروردین ۱۳۸۶ اظهار داشت:

”از دولت‌هایی که تا کنون نخواستند عادلانه واقعیت‌های امروز و حقوق ملت ما را بپذیرند، می‌خواهم دست از قانون شکنی، زورگویی، بی‌منطقی و مخالفت و دشمنی با ملت ما بردارند و بدانند که آحاد این ملت با آگاهی، ایمان و اتحاد کامل، پشت سر رهبری خود در صحنه ایستاده‌اند و از حقوق خود تا آخر دفاع می‌کنند. آنان باید بدانند که مسیر تعالی ملت ایران، یک مسیر بدون بازگشت است. در این دوره با برجسته شدن دال هسته‌ای، انرژی هسته‌ای به عنوان خط قرمز جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌شود تا گفتمان حاکم مفصل‌بندی کاملاً جدیدی از خود ارائه دهد. رئیس‌جمهور همچنین در چهارم اسفند ۱۳۸۶ در گفتگوی تلویزیونی، گفت: خط قرمز ملت ایران، قطعنامه شورای امنیت نیست. خط قرمز جمهوری اسلامی ایران، حقوق ملت ایران است این مفصل‌بندی جدید در کنار دیگر و از این حق، سرسوزنی عقب‌نشینی نخواهیم کرد مسائل مرتبط با آن پیامدهای مثبت و منفی به دنبال داشت.“ از نگاه گفتمان اصلی و مجریان سیاست خارجی وقت این سیاست باعث تحقق انرژی هسته‌ای شده و غرب و شورای امنیت را وادار به پذیرش ایران هسته‌ای نموده است.

جایگاه عنصر ایدئولوژی در سیاست خارجی دولت احمدی نژاد

با روی کار آمدن احمدی‌نژاد، تعریف از هویت نوعی و هویت نقشی جمهوری اسلامی ایران در مسیر جداگانه نسبت به سایر دولت‌ها قرار گرفت و از آن به عنوان "بازگشت به گذشته"^۱ یاد می‌شود. در این دوره، بار دیگر مرزهای ایدئولوژیکی و عقیدتی در جایگاه مرزهای جغرافیایی جایگزین گردید و آن عنصر هویت‌ساز که "خود و دیگری"^۲ را تعریف و تفسیر می‌کند دین اسلام است. برخلاف تعریف ملی‌گرایی از هویت ملی که حول محور ملیت و ایرانیت معنا پیدا کرده است، مرکز ثقل روایت اصول‌گرایی از هویت ملی ایران "اسلامیت" آن است. از این‌رو، گفتمان اصولگرایی عدالت‌محور، تکوین‌دهنده "هویت دولت یا حکومت عدل اسلامی" برای جمهوری اسلامی می-

^۱ . Back To The Past

^۲ . Self And Other

باشد(عیوضی، ۱۳۸۷: ۲۱۰).

براین اساس، هویت نوعی در غالب ایدئولوژی و جهان بینی اسلامی قرار دارد و دوباره بر کارکردهای فراملی آن تأکید شد. این هویت نقش های متفاوتی در عرصه سیاست خارجی تعیین می نماید که گفتمان اصول گرایی احمد نژاد نقش «عامل ضد استکبار و سلطه» را در اولویت قرار داده و منافع و اهداف ملی بر حسب ارزش ها، آرمان ها و اصول اسلامی تعریف شده است. مهم ترین ارزش ها در جمهوری اسلامی ایران، همان است که دین اسلام مقرر کرده (همان، ۱۳۸۷: ۲۱۱-۲۱۳). با تامل بر عملکرد تصمیم گیران سیاست خارجی ایران در طی چهل سال بعد از انقلاب اسلامی نشان ملاحظه می شود که جمهوری اسلامی ایران به سبب ماهیت ایدئولوژیکی که دارد، تنها در مقاطعی خاص، در پی پایان دادن به این شرایط به شیوه گسترش روابط، گفتگو و چانه زنی با منابع تهدیدزا نیست و حتی موضع تعارض با غرب و عدوت با آمریکا و اسرائیل را تحت عنوان " منافع ملی"^۱ ارائه کرده است(سریع القلم، ۱۳۷۹: ۴۹).

نتیجه گیری

گفتمان دولت احمدی نژاد، بر ایدئولوژی اسلام شیعی و اصول انقلاب اسلامی در نظام گفتمانی خود تأکید می ورزد. صدور انقلاب اسلامی، به عنوان یکی از مؤلفه های کارآمدی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گفتمان دولت احمدی نژاد مورد توجه قرار داشته است، این دولت در گفتمان خود، جهت پیشبرد اهداف فراملی در صدد بارز نمودن عناصر گفتمانی اهداف فراملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی (گفتمان اسلام گرایانه) یعنی عدالت طلبی، استکبارستیزی، حمایت از مستضعفان و... می باشد و با تشویق کردن ملت ها و دولت ها به مقابله با نظام امپریالیسم جهانی و همچنین با معرفی ایران به عنوان یک الگوی مناسب، به درپیش گرفتن از رسالت آرمان گرایانه و تکلیف گرایانه خود، در صدد است با ساختارهای ناعادلانه نظام بین الملل مقابله نماید.

توجه به معنویت، صلح طلبی و ارزش های انسانی از جمله عناصر گفتمانی دولت نهم و دهم می باشد. این امر بیان کننده توجه به اصول و ارزش های انقلابی در راستای تأمین امنیت و سعادت بشری است. از این رو، صلح، در گفتمان دولت احمدی نژاد، مفهومی فراتر از جنگ دارد، که بنابر آن،

^۱ . National Interest

نظمی پایدار زمانی تحقق می‌یابد که بر مبنای عدالت و معنویات برپا شود. گفتمان دولت احمدی‌نژاد، در توجه به مؤلفه‌های ایجادکننده امنیت ضامن رد بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌های نادرست، جامعه بشری را به سوی گرایش به معنویت و اخلاق‌گرایی دعوت کرده است. در نتیجه، اصل مطلوب در این گفتمان، صلحی است که فقط در سایه معنوی‌گرایی بشری و تحقق عدالت کامل در تمام زمینه‌های امنیتی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... امکانپذیر می‌باشد.

در بحث منزلت‌طلبی، دولت نهم و دهم اصل عزت‌مندی آرمان‌گرایانه مورد توجه است و آن را لازمه محقق شدن نظم مطلوب براساس ارزش‌های اسلامی و انقلابی قلمداد می‌کند. به عبارتی، در دولت نهم و دهم، عزت‌مندی با تاکید بر تأمین و پیگیری استقلال و بیشینه‌سازی منافع، در شالوده-شکنی ساختار ناعادلانه و ترویج اصول و ارزش‌های انقلابی و اسلامی معنا می‌یابد. از این رو، به هر اندازه‌ای که دولت ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل را بتواند شالوده شکنی کند و در دفع نظام استکبار جهانی و در ترویج اصول و ارزش‌های انقلابی موفق‌تر باشد، به همان اندازه نیز عزت‌مندتر خواهد بود و منزلت و عزت جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان افزایش می‌یابد.

رویکرد سیاست خارجی احمدی‌نژاد را در حوزه‌های دولت ملی، هویت دولت جمهوری اسلامی، منافع و اهداف ملی، انقلاب اسلامی و نظام بین‌الملل چنین می‌توان برشمرد که، دولت ملی در یک چارچوب ایدئولوژی و جهان‌بینی اسلامی- شیعی تعریف شده و فاقد ماهیتی سکولار و عرفی است و سرشتی اسلامی دارد. از نظر سیاست اخلاقی، این گفتمان به دولت و حکومتی می‌اندیشد که تاسیس جامعه‌ای دینی، مبتنی است بر اصول و ارزش‌های فرازمانی و فرامکانی که شریعت اسلام را در مرکز خود دارد. انقلاب اسلامی، اصول و ارزش‌های آن از مقدمات اساسی و عناصر بنیادی تعیین‌کننده هویت ملی ایران می‌باشد. می‌توان چنین استنتاج کرد که در دولت آقای احمدی-نژاد، هسته سخت رفتار سیاست خارجی ایران براساس ترجیحات ایدئولوژیک همچنان مهم‌ترین عامل در تعیین راهبردها و سیاست‌های ایران در حوزه روابط خارجی است.

منابع

- آرمین، م. (۱۳۸۵). "سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سالی که گذشت." سالنامه نوروزی. روزنامه اعتماد.
- امین زاده، م. (۱۳۸۶). "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۶." ماهنامه آئین، شماره ۱۱.
- ازغندی، ع. ر. (۱۳۸۳). *دانشنامه حقوق و سیاست، سازنده گرایی: چهارچوبی تئوریک برای فهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات.
- احتشامی، ا. (۱۳۹۰). *سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه*. (ره‌قهرمان‌پور؛ م. مساح. مترجم) تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- اشرفی، ا؛ سلطانی گرد فرامرزی، م. (۱۳۹۷). "مقایسه گفتمان هسته‌ای در سیاست خارجی دولت نهم و دهم با گفتمان انقلاب اسلامی." فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل. دوره ۱۱، ش ۴۲، ۱۰۶-۱۳۰.
- الهی، ع؛ ترکشوند، م. (۱۳۹۹). "جایگاه ایدئولوژی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران." *پنجمین کنفرانس بین‌المللی علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و تحول*.
- احمدی‌نژاد، م. (۱۳۸۶). *مشروح سخنان رئیس‌جمهور در دانشگاه کلمبیا*:
<http://www.jamejamonline.ir>
- احمدی‌نژاد، م. (۱۳۸۷). *تشریح اصول سیاست خارجی دولت نهم*:
<http://donya-e-eqtesad.co>
- احمدی‌نژاد، م. (۱۳۹۰). *رئیس‌جمهوری در کنفرانس بین‌المللی مبارزه با تروریسم*: جعبه‌سیاه هولوکاست
۱۱ سپتامبر:
<http://www.irna.ir/fa/News>
- احمدی‌نژاد، م. (۱۳۹۱). *سخنرانی احمدی‌نژاد در اولین حضور در مجمع عمومی سازمان ملل*:
<http://www.farsnews.com>
- باقری دولت آبادی، ع؛ شفیعی سیف آبادی، م. (۱۳۹۵). *بررسی سیاست خارجی ایران از هاشمی تا روحانی*، تهران: تیسرا.
- ثقفی عامری، ن. (۱۳۸۴). *هند و پرونده هسته‌ای ایران*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ثمره، ر. (۱۳۹۷). *نقش عمل‌گرایی در سیاست خارجی و گسترش روابط بین‌المللی*، دومین

همایش بین‌المللی حقوق علوم سیاسی و معارف اسلامی. تهران، مرکز همایش‌های بین‌المللی کوشاگستر با همکاری علمی و معنوی دانشگاه‌ها، موسسات آموزش عالی و انجمن‌های علمی دانشجویی.

- حاجی یوسفی، ا.م. (۱۳۸۴). سیاست خارجی ج.ا.ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای. (۱۹۹۱-۲۰۰۱) تهران: وزارت امور خارجه مرکز چاپ و انتشارات.

- حسن پور، ج. (۱۳۹۴). "تبیین تئوریک از چالش‌های منافع ملی در رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران." معمای آرمان- واقعیت. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل. دوره ۵، شماره ۱۶، ۱۷۲-۲۰۳.

- حسن خانی، م؛ محمدی سیرت، ح. (۱۳۹۷). "نسبت عملی منافع ملی و ایدئولوژی اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران." دوفصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام. دوره ۶، شماره ۱۲، ۴۵-۷۲.

- خسروی باب اناری، م.ت. (۱۳۹۶). "رویکرد سیاست خارجی دولت یازدهم نسبت به نظم وامنیت منطقه خاورمیانه." فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل. دوره دهم، شماره ۳۹، ۳۱-۵۸.
- سریع القلم، م. (۱۳۷۹). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

- دهشیری، م.ر. (۱۳۹۰). درآمدی بر سیاست خارجی دکتر احمدی‌نژاد. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- دهقانی فیروزآبادی، ج. (۱۳۸۴). تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: موسسه ایران.

- دهقانی فیروزآبادی، ج. (۱۳۸۶). "گفتمان اصولگرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد." دوفصلنامه دانش سیاسی، دوره ۳، شماره ۱، ۶۷-۹۸.

- دهقانی فیروزآبادی، ج. (۱۳۸۸). "الگوی غالب صدور انقلاب اسلامی در سیاست خارجی دولت نهم." دوفصلنامه دانش سیاسی، دوره ۵، شماره ۲، ۱۲۵-۱۵۰.

- دهقانی فیروزآبادی، ج. (۱۳۹۰). "نظریه اسلامی سیاست خارجی چهارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران." فصلنامه روابط خارجی. دوره ۳، شماره ۱، ۸-۴۵.

- درخشه، ج و همکاران. (۱۳۹۴). "تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای."

فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. دوره ۶ شماره ۳، ۷۲-۵۳.

- رادفر، ف؛ دهقانی فیروزآبادی، ج. (۱۳۸۸). "الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم." نشریه علمی دانش سیاسی. دوره ۵ شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰، ۱۲۳-۱۵۰.

- زارعی، م. (۱۳۸۶). تجلی هویت ایرانی در نیویورک. تهران: نشر جمهور.

- رضایی، ع. ا. (۱۴۰۰). "آسیب‌شناسی سیاست خارجی دولت محمود احمدی‌نژاد از منظر آرمان‌گرایی." مجله بین‌المللی پژوهش ملل. دوره ۶، شماره ۶۸، ۶۵-۸۲.

- عیوضی، م. ر. (۱۳۸۷). "تحلیلی بر سیاست خارجی محمود احمدی‌نژاد." نشریه راهبرد یاس. شماره ۲ (پیاپی ۱۴)، ۲۰۹-۲۳۵.

- قوام، ع. ع. (۱۴۰۰). اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل. انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

- گیلوآ، ا. (۱۳۸۸). ارتباطات جهانی و سیاست خارجی. (ح، آشنا؛ م، ص، اسماعیلی. مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.

- گوهری مقدم، ا؛ بیگی، ع. ر. (۱۳۹۹). "تجزیه و تحلیل اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بیانیه گام دوم انقلاب." دوفصلنامه دانش سیاسی. دوره ۱۷، شماره ۱، (پیاپی ۳۳)، ۲۹۱-۳۲۰.

- مولانا، ح؛ محمدی، م. (۱۳۸۷). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد. تهران: دادگستر.

- علیزاده، ب؛ امراللهی، ا. (۱۳۸۵). "وجه حاجت بشر به دین از منظر شهید مطهری." فصلنامه اندیشه حوزه. شماره ۵۸، ۱۴۷-۱۷۶.

- مشیرزاده، ح. (۱۳۸۳). "گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازهانگاری." مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۶۳ شماره ۵، ۱۲۳-۱۵۰.

- محمودی کیا، م. (۱۳۹۷). "سیاست خارجی ایدئولوژیک؛ از نظریه تا عمل." فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام. دوره ۵، شماره ۱۷، ۱۳۵-۱۵۸.

- محمودی کیا، م؛ دهسیری، م. ر. (۱۳۹۸). "نسبت عمل‌گرایی و ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران؛ رویکردی راهبردی یا تاکتیکی." فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. دوره ۹، شماره ۳۲،

- متکی، م. (۱۳۸۶). "گفتگوی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران". تهران: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران.
- محمدیان، روهمکاران. (۱۴۰۰). "بازاندیشی مفهوم توسعه سیاسی درگفتمان اصول‌گرای محمود احمدی‌نژاد." فصلنامه سپهر سیاست. دوره ۸، شماره ۲۷، ۱۲۴-۱۴۰.
- ولایتی، ع و همکاران. (۱۴۰۱). "نقش گفتمان دینی درخرده گفتمان سیاست خارجی دولت اعتدال." فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی. دوره ۱۳، شماره ۵۰، ۱۴۱-۱۵۹.

Bojans AS. (2018). The Study of Foreign Policy in International Relations, Journal of Political Science & Public Affairs, Ege University, Izmir, Turkey, Oct 18, 2018, Volume 6, Issue 4, 1-9.

Diyanet, M. & Nejatpour, M. (2017). Development from the perspective of the Sharia-oriented Islamist current after the Islamic Revolution. The Approach of the Islamic Revolution, 11(41), P.155-133.

Warnaar, Maaiké (2013). Iranian Foreign Policy During Ahmadinejad: Ideology and Action, Press: Macmillan.

